ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

اقتصاد ملی و سرعت غیرمجاز ثروت‌اندوزی خواص

فرض کنید یکی از دوستان شما از شهر دیگری با خودروی شخصی به قصد دیدار شما راه افتاده است. شما با توجه به طول مسیر و زمان شروع سفر برآوردی از زمان رسیدن او دارید و اگر برخلاف تصور شما، او خیلی سریع خودش را برساند، احتمال خواهید داد که دوستتان در جاده قانون حداکثر سرعت مجاز را رعایت نکرده است؛ زیرا با رعایت این قانون غیرممکن است فردی این‌چنین زود به مقصد برسد. رفتار اقتصادی برخی از مقامات و صاحب‌منصبان در جامعه امروز ایران با همین تصویر ساده قابل تحلیل است. در شرایطی که بسیاری از کارمندان عالی‌رتبه و مدیران میانی و حتی مدیران ارشد از نظر وضعیت معیشت و سطح زندگی و رفاه تفاوت چندانی با عموم مردم و قشر حقوق‌بگیران ندارند، برخی از صاحب‌منصبان و چهره‌های متنفذ در چند دهه گذشته با سرعتی باورنکردنی مراحل رشد اقتصادی(!) را سپری کرده و به جمع مرفهان پیوسته‌اند. یک بررسی ساده و سرانگشتی در باب وضعیت دارایی، ارثیه خانوادگی و درآمدهای جاری فرد به ما نشان خواهد داد که سرعت رشد ثروت او از حد به‌اصطلاح مجاز خیلی بالاتر بوده؛ زیرا محال است این فرد با رعایت سقف مجاز سرعت چنین ثروتی را در مدتی کوتاه به دست بیاورد. فکرش را بکنید.

امروزه بسیاری از خانواده‌ها حتی با وجود تمکن نسبی مالی و برخورداری از ارثیه خانوادگی، نمی‌توانند سرمایه‌ای مکفی برای شروع فعالیت اقتصادی در اختیار فرزندان خود بگذارند؛ با این حال مشاهده می‌کنند که فلان فرد صاحب‌منصب که سال‌ها پیش از صفر شروع کرده و نه ارثیه خانوادگی در اختیارش بوده و نه در کنار فعالیت شغلی خود کسب‌وکاری به صورت شغل دوم داشته و نه اختراعی به نام خود ثبت کرده که با واگذاری آن سرمایه‌ای فراهم کند، برای گل‌پسرهای نازنینش در همان ابتدای فعالیت اقتصادی نقدینگی هنگفتی به‌عنوان سرمایه اولیه فراهم می‌کند. یا آنان مشاهده می‌کنند در شرایطی که بسیاری از خانوارهای نسبتا متمکن دهه‌های قبل اینک چاره‌ای جز صرفه‌جویی و تغییر الگوی مصرف خود و متناسب‌ساختن آن با منابع اندک درآمدی‌شان ندارند، برخی از این صاحب‌منصبان امکانات رفاهی چشم‌نواز برای خانواده خود و فرزندان‌شان فراهم می‌آورند و به طرفه‌العینی و با انواع بهانه‌ها آنان را راهی سفرهای سیاحتی و زیارتی همراه با خریدهای افسانه‌ای می‌کنند. عملکرد نادرست مالی و رعایت‌نکردن «سقف مجاز سرعت افزایش دارایی» هرچند فقط مربوط به تعدادی اندک از صاحب‌منصبان است و اکثریت با مسئولانی است که گرفتار چنین مواردی نیستند، با این حال به دلیل حساسیت و اهمیت مقوله فساد و توجه جدی افکار عمومی جامعه به این موارد، عجیب نیست که رفتار سالم اکثریت دیده نشود و رفتار ناسالم جمعی اندک مورد توجه مردم قرار گرفته و موجب شکل‌گیری قضاوتی نادرست نسبت به انبوه خدمتگزاران صادق جامعه شود. به بیان دیگر آن گروه اندک با عملکرد مفسدانه خود نه‌تنها بخشی از اموال عمومی را از دسترس جامعه خارج می‌کنند، بلکه با آسیب‌زدن به اعتماد عمومی خسارت بزرگ‌تری را نیز به جامعه وارد می‌آورند. دقیقا به همین دلیل لازم است رفتار مالی صاحب‌منصبان با دقت و وسواس بررسی و ارزیابی شود و با خطاهای احتمالی برخی افراد از همان ابتدا برخورد قانونی شود تا اموال عمومی به خزانه کشور بازگردد و اعتماد عمومی بیش از این خدشه‌دار نشود. اصل ۴۹ قانون اساسی رسیدگی به نحوه شکل‌گیری انواع ثروت‌های مشکوک و بازستانی این ثروت‌ها به نفع جامعه را به‌عنوان یک مأموریت مهم بر دوش دولت گذاشته و ازجمله این ثروت‌های مشکوک به اختلاس و رشوه و سوءاستفاده از معاملات دولتی اشاره کرده است. با این حال تأمل در شرایط امروز جامعه به‌خوبی روشن می‌کند که نهادهای ناظر توفیق چندانی در شناسایی و شکار موارد «سرعت غیرمجاز افزایش ثروت» به‌ویژه در مورد صاحب‌منصبان نداشته‌اند. از سوی دیگر سیاست‌زدگی جامعه امروز ایران شرایطی را فراهم کرده که بسیاری از پرونده‌های این‌چنینی در گردوغبار رقابت‌های سیاسی فراموش شده و بررسی بی‌طرفانه‌ای در پی نداشته باشد. اتفاقا این مورد نیز خسارت بزرگی به اعتماد ملی به‌عنوان یک دارایی ارزشمند زده است. این‌گونه رفتارهای نسنجیده افکار عمومی را به سمت این قضاوت سهل و آسان هل داده که مثلا «تخلفات مالی خودی‌ها لاپوشانی می‌شود». امروزه هرچند ضرورت مبارزه با فساد بر همگان آشکار شده است، اما همواره ممکن است برخی سخنوران دانسته یا ندانسته مسیر مبارزه را تغییر داده و آن را به بیراهه بکشانند. به‌عنوان نمونه وقتی به لطف امکانات فضای مجازی رفتار نادرست مالی یک صاحب‌منصب برملا می‌شود، بلافاصله می‌گویند باید به خطاهای مالی بسیار بزرگ توجه کنیم و چنین خطایی ارزش توجه و پرونده‌سازی ندارد؛ اما باید توجه داشت که مبارزه با فساد در قدم اول در گرو فسادزدایی بدنه دولت و نهادهای حاکمیتی است و مماشات با اندک صاحب‌منصبانی که قانون «سرعت مجاز افزایش ثروت» را رعایت نکرده‌اند، یک ضرورت انکارناپذیر است.

بازخوانی تجربه حذف ارز ترجیحی و اصلاح قیمت برای یک کالای اساسی که نتیجه مطلوب در بر نداشت

شکر تلخ

بهزاد قبادی: دلار ارزان واردات، قیمت پایین کالا و قاچاق کلیدواژه‌هایی هستند که دولت با آن قیمت‌ها را بالا می‌برد و وعده می‌دهد که مشکل بازار حل می‌شود؛ اما «شکر» فقط یک مثال نقض این ادعاهاست. بگذریم که بنزین هم پیش از این امتحان خود را پس داد و مردود شد. گزارش‌های آماری نشان می‌دهد تولید و واردات شکر به حد کافی بوده است. بهانه ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی هم وجود ندارد و از دو سال پیش این کالا با ارز نیمایی وارد می‌شود؛ اما شکر در بازار کمیاب است و هیچ‌یک از متولیان بازار توضیح دقیقی نمی‌دهند که محموله‌های شکر کجا هستند؟

افزایش قیمت ماکارونی در روزهای اخیر و کاهش آن در بازار یکی از پربحث‌ترین اخبار روزهای اخیر کشور بوده است؛ اما مشکل بازار غذایی کشور، فقط گندم، آرد و ماکارونی نیست و در چند روز اخیر روغن و شکر هم کمیاب شده است.

شکر که تا دو سال قبل به‌عنوان کالای اساسی و استراتژیک، ارز دولتی به آن تخصیص داده می‌شد، بر اساس تصمیم کارگروه تنظیم بازار، در ۱۰ آبان ۱۳۹۸، اولویت ارزی آن برداشته و مقرر شد پس از آن با ارز نیمایی وارد شود. پس از این اتفاق، ستاد تنظیم بازار در ۲۰ آبان، قیمت مصرف‌کننده را هشت‌هزارو ۷۰۰ تومان اعلام کرد که این رقم در بهمن همان سال به ۱۱هزارو ۸۰۰ تومان رسید.

پس از این ماجرا، شکر همواره به‌عنوان یک چالش، دارای نوسانات مختلفی بوده است؛ هرازگاهی در بازار کمیاب شده و پس از آن، با ورود ستاد تنظیم بازار و توزیع شکر دولتی، بازار آرام می‌شد. بااین‌حال، همیشه پس از این کمبودها، افزایش قیمت این کالا، امری انکارناشدنی است.

اردیبهشت سال گذشته خبر کمیابی شکر در بازار رسانه‌ای شد. در آن زمان، علت را تعطیلی کارخانه‌ها به دلیل کرونا و همچنین عدم توزیع شکر از سوی آنها به بازار اعلام کردند که با ورود دولت و ستاد تنظیم بازار، مشکل تقریبا مرتفع شد. با وجود اینکه قیمت مصوب تنظیم بازار تغییر نکرد و همان شش‌هزارو ۶۵۰ تومان باقی ماند، ولی به دلیل عدم توزیع، قیمت مصرف‌کننده در بازار تا ۱۱ هزار تومان هم بالا رفت. این روند در خرداد نیز تکرار شد.

۱۵ تیرماه سال ۱۴۰۰، قیمت بنکداری به ۱۱هزارو ۵۰۰ تومان رسید و در شهریور این نرخ تا ۱۲هزارو ۵۰۰ تومان پیش رفت. در ۱۵ بهمن نیز سازمان حمایت دست به افزایش قیمت زد و یکباره قیمت شکر به ۱۴هزارو ۷۱۵ تومان رسید. فصل مشترک این کمبودها در بازار و به تبع آن افزایش قیمت‌ها، عدم عرضه شکر از سوی شرکت‌های تولیدی و توزیعی به بازار است.

سال‌هاست که همه دولت‌ها با این چالش دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ولی راه چاره‌ای برای آن نیندیشیده‌اند.

اکنون کشور دوباره با کمبود شکر در بازار مواجه است. برای اینکه به وضعیت فعلی شکر در کشور پی ببریم، آمار ارقام تولید و واردات سال‌های اخیر را مرور می‌کنیم. سال گذشته میزان تولید کشور یک‌میلیون‌و ۴۵۰ هزار تن شکر خام بوده که دولت برای جبران کمبود بازار، اجازه واردات یک‌میلیون‌و ۲۰۳ هزار تن شکر خام را داد. این ارقام در سال ۱۳۹۹، یک‌میلیون‌و ۵۷۵ هزار تن تولید داخل و یک‌میلیون‌و ۱۸ هزار تن سهم واردات بوده است. سال ۹۸ برخلاف دو سال گذشته، آمار تولید شکر خام در کشور بسیار کمتر از واردات بوده؛ به‌طوری‌که تولید داخل ۸۷۰ هزار تن و واردات یک‌میلیون‌و ۸۳۰ هزار تن بود که در ۱۰ سال اخیر، بیشترین میزان واردات مربوط به این سال است.

با محاسبه آمار صادرات و واردات سال‌های اخیر، میزان مصرف شکر خام در کشور تقریبا بین ۲.۵ تا ۲.۷ میلیون تن است. سال ۹۸، دومیلیون‌و ۷۰۰ هزار تن، سال بعد ۲.۵۹ میلیون تن و سال ۱۴۰۰، دومیلیون‌و ۶۵۳ هزار تن شکر خام آمار تولید و واردات در کشور بوده است.

این محاسبه به این دلیل بود که نشان دهیم سرانه مصرف شکر در کشور تغییر چندانی در سال‌های اخیر نداشته است و علاوه بر آن، آمار نشان می‌دهد تأمین نیاز کشور نیز انجام شده؛ چه در زمانی که تولید داخل زیاد بوده و چه در زمانی که تولید داخل به حداقل میزان خود رسیده است.

همان‌طور که گفته شد، آمارها نشان می‌دهند کشور با کمبود شکر خام مواجه نیست؛ علاوه بر آن، دولت اذعان دارد که تخصیص‌ها به شرکت‌های تصفیه شکر هم به درستی انجام شده است. اما آنچه حائز اهمیت است، کمبود شکر سفید در بازار است. پس از روی کار آمدن ساداتی‌نژاد در وزارت کشاورزی (مهرماه) تا اسفند ۱۴۰۰، جمعا میزان واردات شکر ۴۳۷ هزار تن بوده است. این در حالی است که سال ۹۸، معادل ۲۸۵ هزار تن شکر خام وارد شده است. حتی این آمار هم نشان می‌دهد که دولت توانسته میزان کمبودی را که در قسمت تولید است، تقریبا با افزایش ۱۵۲ هزار تنی واردات پر کند، ولی همچنان شکر در بازار کمیاب است.

کاهش شکر در اردیبهشت سال گذشته در حالی بود که دولت قبل در اسفند ۹۹ حتی یک کیلوگرم هم شکر وارد نکرده بود و کاهش شکر خام یکی از علل کاهش شکر سفید در بازار بود؛ اما امسال دولت ۵۰ هزار تن در اسفند واردات داشته و از این بابت مشکلی وجود نداشته است.

بااین‌حال، دبیرکل اتحادیه بنکداران مواد غذایی گفته که کمیاب‌شدن شکر در بازار مختص شکر دولتی است و شکر آزاد به وفور در بازار وجود دارد. قاسمعلی حسنی علت کاهش شکر دولتی را تعلل در عرضه از سوی ستاد تنظیم بازار و وزارت کشاورزی دانسته و تأکید کرده است در صورت تأمین، شکر دولتی به سرعت در بازار عرضه خواهد شد. همچنین، یزدان سیف، معاون سابق وزیر جهاد که به‌تازگی از سمتش برکنار شده است نیز در اظهارنظری در سال ۱۴۰۰ اعلام کرده بود تا خرداد سال جاری شکر ذخیره شده و کمبودی در بازار وجود نخواهد داشت.

بااین‌حال، در روزهای اخیر، خبر کشف محموله‌های سنگین برخی کالاها ازجمله شکر توسط مرزبانی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد. طبق اعلام فرمانده مرزبانی جمهوری اسلامی، از ابتدای سال تاکنون حدود ۳۱ تن شکر از قاچاقچیان کشف و ضبط شده است.

همچنین در روزهای گذشته، مسئولان شهرستان‌های مختلف کشور از کشف انبارهای احتکار شکر خبر دادند. برای نمونه، رئیس جهاد کشاورزی استان البرز روز پنجشنبه از کشف هفت تن شکر در یکی از انبارهای این استان در کنار برخی کالاهای دیگر خبر داد. البته دبیر اتحادیه بنکداران معتقد است به دلیل افزایش قیمت‌هایی که دولت در آن دخیل است، احتکار صرفه اقتصادی ندارد؛ اما چرا دولت توضیح نمی‌دهد چرا در شرایطی که تولید و واردات یک کالا به حد کافی بوده و بهانه ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی هم برای قاچاق آن وجود ندارد، آن کالا کمیاب شده است؟!

حالا آنچه عیان است، کمبود شکر در بازار مصرف است که با توجه به آنچه گفته شد، این کمبود نمی‌تواند به دلیل کاهش تولید یا واردات و حتی توزیع از سوی شرکت‌های توزیع‌کننده باشد. تاکنون هیچ مسئول دولتی‌ای درخصوص کاهش شکر در بازار توضیحی ارائه نداده تا مشخص شود «شکرها کجا هستند؟».

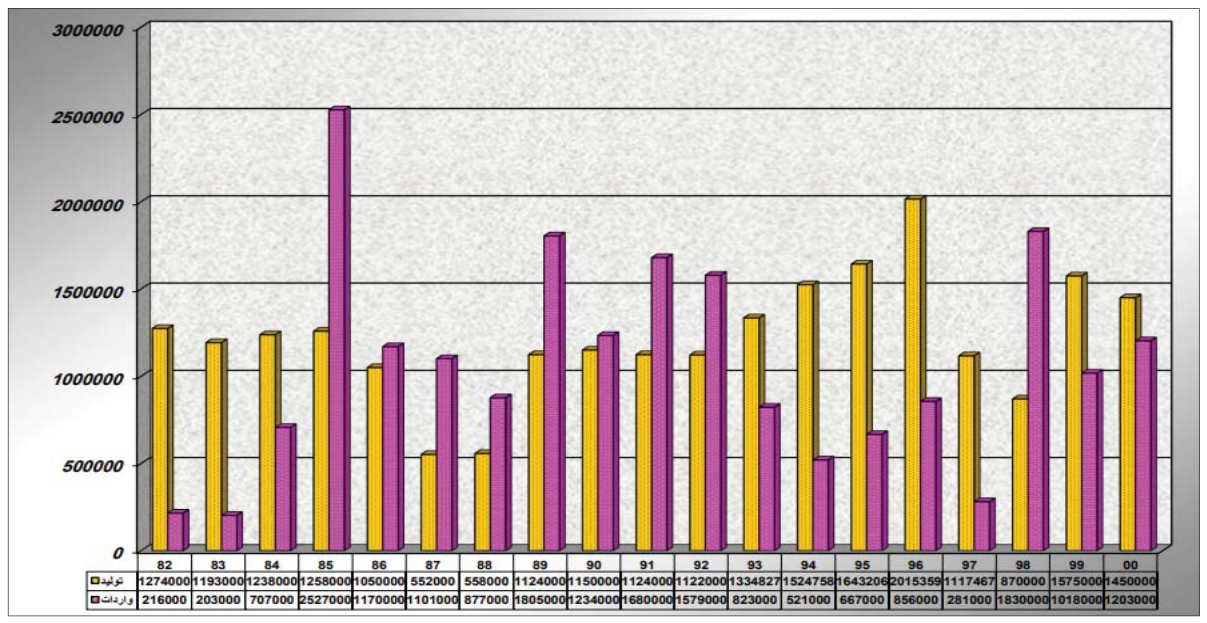

• نمودار زیر میزان واردات و تولید شکر از سال ۱۳۸۲ تا پایان ۱۴۰۰ است. منبع: واردات از گمرک جمهوری اسلامی ایران و تولید، انجمن صنفی کارخانه‌های قند و شکر

ردیف	سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	جمع
۱۳	۱۳۹۷	۰	۳۸	۴۹	۱	۰	۰	۰	۰	۶۶	۰	۶۶	۶۱	۲۸۱
	جمع هر ماه + ماه های قبل	۰	۳۸	۸۷	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۱۵۴	۱۵۴	۲۲۰	۲۸۱	
۱۴	۱۳۹۸	۸۲	۲۱۳	۲۸۰	۲۲۰	۸۰	۱۴۳	۲۱۰	۹۸	۱۵۰	۱۷۱	۱۰۵	۷۸	۱۸۳۰
	جمع هر ماه + ماه های قبل	۸۲	۲۹۵	۵۷۵	۷۹۵	۸۷۵	۱۰۱۸	۱۲۲۸	۱۳۲۶	۱۴۷۶	۱۶۴۷	۱۷۵۲	۱۸۳۰	
۱۵	۱۳۹۹	۹۷	۱۳۱	۲۰۱	۱۱۲	۲	۱۷۳	۱۴۲	۶۳	۶۳	۱۷	۱۶	۰	۱۰۱۸
	جمع هر ماه + ماه های قبل	۹۷	۲۲۸	۴۲۹	۵۴۱	۵۴۳	۷۱۷	۸۵۹	۹۲۲	۹۸۵	۱۰۰۲	۱۰۱۸	۱۰۱۸	
۱۶	۱۴۰۰	۱۳	۲۷۹	۹۵	۱۳۵	۰	۲۴۴	۱۲۳	۲	۱۴۹	۳۹	۷۴	۵۰	۱۲۰۳
	جمع هر ماه + ماه های قبل	۰	۲۹۲	۳۸۷	۵۲۲	۵۲۲	۷۶۶	۸۸۹	۸۹۱	۱۰۴۰	۱۰۷۹	۱۱۵۳	۱۲۰۳	

• جدول زیر، آمار واردات شکر خام به تفکیک ماه‌های سال است (ارقام هزار تن) منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

بازتاب

پاسخ سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی به گزارش «شرق»

به دنبال انتشار مطلبی در چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ در روزنامه «شرق» با عنوان «خسارت سنگین دولت به دریاچه ارومیه» مبنی بر اینکه سیب ارومیه روی دست دولت مانده است، روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی جهت تنویر افکار عمومی جوابیه‌ای صادر کرده است. متن این جوابیه به این شرح است: آذربایجان غربی با تولید سالانه بیش از یک میلیون تن قطب سیب کشور به‌شمار می‌رود. در سال گذشته، مجموع سیب درختی تولیدی استان یک‌میلیون‌و ۲۷۰ هزار تن بود که حدود ۸۵۰ هزار تن در سردخانه‌ها ذخیره‌سازی و ۳۵۰ هزار تن به‌عنوان سیب صنعتی برای تهیه مواد اولیه برای مصارف کارخانجات کنسانتره استفاده شد و ۴۲ هزار تن آن نیز توسط سازمان تعاون روستایی به صورت تضمینی در راستای حمایت از باغداران خریداری شد و مابقی محصول نیز جهت مصارف تازه‌خوری مردم به بازارهای داخل و خارج از استان عرضه شد. تعداد ۵۶ کارخانه تولید کنسانتره میوه در استان فعال است که بخش عمده تولیدات این کارخانه‌ها پس از فراوری به کشورهای اروپایی صادر می‌شود و درحال‌حاضر قیمت هر کیلو کنسانتره سیب درختی صادراتی حدود ۳۵ تا ۳۶ هزار تومان است و هیچ‌گونه دورریزی در سیب صنعتی استان وجود ندارد. درحال‌حاضر امرارمعاش بیش از ۶۰ هزار خانوار روستایی و شهری در استان به صنعت سیب درختی وابسته است، ۱۰ هزار نفر نیز به صورت غیرمستقیم پس از تولید در امر برداشت، بسته‌بندی فروش، صادرات و سایر بخش‌های مرتبط با این محصول فعالیت می‌کنند. طبق تأکید استاندار و ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی، تبیین این موضوع در رسانه‌ها که هشت درصد سیب درختی استان صنعتی و ۹۲ درصد ارزش صادراتی دارد، یک ضرورت است؛ چراکه سیب محصول استراتژیک استان است و لازم است تا در تمام فصول برای حل مشکلات اقتصادی تلاش شود. موضوع سیب درختی هم مختص فصل خاصی نیست. درحال‌حاضر ۶۰هزارو ۴۶۵ هکتار باغ سیب بارور در استان وجود دارد که برابر آمار تقریبا ۱۱هزارو ۵۰۰ هکتار باغ سیب از سال ۱۳۷۴ تحت پوشش سامانه‌های نوین آبیاری قرار گرفته است. نیاز است زمینه استفاده از مشارکت حداکثری مردم برای توسعه سیستم‌های نوین آبیاری در اراضی باغی استان فراهم شود. با توجه به اینکه تجهیز اراضی باغی به سیستم آبیاری قطره‌ای، تقاضامحور بوده و بر اساس درخواست متقاضی انجام می‌گیرد، بر اساس برنامه‌ها و سیاست‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه نیز سازمان جهاد کشاورزی درصدد توسعه جایگزینی ارقام کم‌آب‌بر و پربازده پایه‌رویشی با پایه‌های بذری موجود سیب و جایگزینی باغات سیب درختی با درختان کم‌آب‌بر و مقاوم به خشکی از قبیل انگور، پسته، بادام و... است. از سال ۹۳ تاکنون از محل اعتبارات ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۷هزارو ۸۱۳ هکتار از باغات استان در حوضه آبریز دریاچه ارومیه به شبکه آبیاری تحت‌فشار تجهیز شده است و برای ۴۶۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی نقشه کاداستر تهیه شده است و ۴۷۴ کیلومتر انتقال آب با لوله و ۶هزارو ۷۵۲ هکتار نیز شبکه آبیاری فرعی زهکشی اجرائی شده است که از این طریق ۱۲۹ میلیون مترمکعب در مصرف آب کشاورزی صرفه‌جویی شده است. در حوزه بیابان‌زدایی و مقابله با کانون‌های ریزگرد در حوضه دریاچه ارومیه نیز از سال ۹۳ تاکنون، ۹ سایت سنجش فرسایش بادی و پایش گردوغبار نمکی ایجاد شده است و در سطح دوهزارو ۶۷ هکتار نهال‌کاری و بوته‌کاری همراه با آبیاری و تولید نهال انجام گرفته است. ۱۶۲ کیلومتر ادشکن غیرزنده نیز برای جلوگیری از حرکت ماسه‌های روان با استفاده از سر شاخه‌های گز انجام گرفته است. دوهزارو ۶۰۰ هکتار مدیریت روان‌آب همراه با بذرکاری در سه شهرستان میاندوآب، ارومیه و سلماس انجام گرفته است و در سطح ۲۴۴ هزار هکتار سیستم‌های چرایی و قرق به‌منظور مراقبت و نگهداری از سایت‌ها و توزیع جو علوفه‌ای رایگان بین دامداران انجام گرفته است و در ادامه همچنین در سطح ۴۸۷ هزار هکتار از مراتع نیز با کنترل دام و پروانه‌های چرا، طرح ساماندهی مراتع عملیاتی شده است. متأسفانه سیب درختی را به دلیل پرآب‌بودن، یکی از گزینه‌های علل خشک‌شدن دریاچه ارومیه قلمداد می‌کنند و این در حالی است که تغییرات اقلیمی و استمرار خشک‌سالی متعاقب آن باعث کاهش بارندگی‌ها در طی سال‌های اخیر در کشور شده است که با کنترل و کاهش برداشت منابع آب سطحی و زیرزمینی و مدیریت بهینه آب و توجه بیشتر به مدیریت مصرف به‌جای تأکید بر مدیریت عرضه آب می‌توان از بروز بحران کم‌آبی جلوگیری کرد و توسعه کشاورزی و مخصوصا تولید محصول سیب درختی بر تشدید خشکی دریاچه ارومیه تأثیری ندارد.

«روابط عمومی جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی»

برق حرارتی

آگهی مناقصه عمومی
انجام کارهای خدماتی و پشتیبانی

شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به نشانی تهران، شهرک قدس، انتهای بلوار شهید دادمان غربی، پژوهشگاه نیرو، شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی - کد پستی ۱۴۶۸۶۱۳۱۱۴ از شرکت هایی که دارای مجوز فعالیت در امور خدماتی و پشتیبانی صادره از وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی که تاریخ اعتبار آن منقضی نشده باشد، دعوت به عمل می آورد تا درصورت تمایل به شرکت در مناقصه موضوع فوق به شماره سیستمی ۲۰۰۱۰۰۵۰۱۱۰۰۰۰۰۵ نسبت به مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir اقدام لازم به عمل آورند.

الف) مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱۱.۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.

ب) زمانبندی مراحل دریافت و ارسال اسناد مناقصه بدین شرح می باشد:

- زمان دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران: از ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ تا ساعت ۸:۵۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱
- زمان و مکان تشکیل جلسه توضیح و تشریح: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ در سالن کنفرانس طبقه دوم ساختمان شهید قاسم سلیمانی شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی
- پایان مهلت بارگذاری اسناد مناقصه توسط متقاضی در سامانه ستاد ایران: ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱
- زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱
- مدت زمان اعتبار پیشنهادها: ۳ ماه از تاریخ ارائه پیشنهاد و این مدت برای ۳ ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی

pr.tpph

شناسه آگهی ۱۳۱۱۵۱۷ م الف ۴۵۴